

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



نامه پیشنهادی خضوعانه داکتر نصرالدین شاه پیکار حضور پر بهای روشنفکران، دانشمندان، فعالین جامعه مدنی، " انجمن اجتماعی جوانان پامیر" ، و سایر شخصیت های قابل قدر و واجب الاحترام محیط و محوای درون مرزی و برون مرزی شغنان و مرز و بوم پامیر بدخشان افغانستان!!!

سخن معروف است که : " مردمی که از فهم ژرف تاریخ گذشته، اصل پیدایش، اصلیت، اهلیت، و فرهنگ خودی آگاهی مناسب نداشته باشند، شبیه درخت بدون ریشه و بیشه اند "

( مارکوس کاروی )

بزرگی به مردی و فرهنگ بود  
گدایی در این بوم و بر ننگ بود  
کجا رفت آن دانش و هوش ما؟  
که شد مهر میهن فراموش ما  
که انداخت آتش در این بوستان؟  
کزان سوخت جان و دل دوستان  
به یزدان که گر ما خرد داشتی  
کجا این سر انجام بد داشتیم

دوستان گران سنگ و رجاوند !  
مدت زمانی است که دسته های فعال فرهنگی و مدنیت پرست و تهذیب گرای محیط و محوای پامیر مساعی صادقانه، همه

جانبه و مشحون از خلوص نیت را در راستای آفرینش محیط آموزشی و فرهنگی بهتر در میان جوانان و نوجوانان منطقه پامیرکه نیاز مبرم زمان است رویدست گرفته اند که در دیدانداز همگان از ارزش والای انسانی و فرهنگی برخوردار بوده و در آینده ها نیز خواهد بود.

دوستان ارجمند ! قبل از آنکه به اصل موضوع برگردم، حضور همه شما به عرض می رسانم که هدفم از این نگارش "از گپ گپ می خیزد" ، نیست ، بلکه آنچه را که در نهاد فکری و بینش خود دارم، و آنچه که به آن باور دارم و شاید هم تصور ماندگاری داشته باشد، با شما ها که امروز دشواری های محیط و میهن را با گوشت ، پوست ، استخوان و مغزتان حس و لمس می کنید، در میان گذارم و حد اقل دین و رسالت خود را من حیث فرد درس خوانده ، با سواد و جز شما ها که جسمن دور از محیط و میهنم ولی فکرن در آن قرار دارم سهم سازم.

همه ما در چند سال اخیر، شاهد برخی از کار کرد ها، نوآوری ها، ساختار ها، سازمانها، انجمن ها و نهاد های اجتماعی، برگزاری ها، تجلیل ها و غیره در میان شخصیت ها و افراد چیز فهم آندیار ، به ویژه جوانان انجمن اجتماعی پیامیر بودیم و هستیم که بعضن توام با دست آورد ها، دشواری ها، سو تفاهم ها، بدنگاری ها، زشت نگری ها، دشنام نامه ها، خود سری ها، خود سوزی ها و خود سازی ها بوده اند. این موضوع هم قابل تشویش و نگرانی است و هم نیست، زیرا در محیط درس خوانده ها، " روشنفکران" ، و جوانان و نوجوانان این چنین حرف ها به میان می آیند و تنها در میان آنهایی به وجود نمی آیند که هنوز در شیرازه بینش کمون اولیه زندگی می کنند و از تمدن و تهذیب در ذهن شان خبری نیست، و بعد ها با گذشت زمان با بکار برد سلاح برنده انسانی که بینش عقلانی است در زدودن و مرفوع سازی آنها داخل اقدام می شوند که در واقعیت امر اسباب آفرینش تفاهم و گفتمان دو جانبه را در راستای تحقق آرمانهای مشترک انسانی همه ما و شما، فراهم می سازند که سروده زیر میتواند نمادی باشد از حقانیت سخن :

چون خطایی در تو سر زد، در پشیمانی گریز  
کز خطا نادم نگردیدن، خطای دیگر است

اکنون در همین بستر کوتاه زمانی، برخی از جوانان مبتکر و نو آور که مراحل آغازین آن را یک جوان رشید و برومند بدوش داشت و توانست طلسم برخی کهنه اندیشی ها را بشکند و کار آفرنی و همت گزینی را شعار خود نمود و بنیاد انجمن اجتماعی جوانان پامیر را گذاشت و اینکه فرصت بیشتری را در راستای گرداندگی آن نداشت، دیگران را آماده این کار ساخت که در شرایط فعلی زیر نام " **انجمن اجتماعی جوانان پامیر** " ، به کار کرد های مؤثر شان ادامه می دهد. این انجمن در مدت زمان کوتاه دارای دست آورد های خوبی است که میتوان به گونه زیر آنها را بر شمرد:

- معرفی موسیقی، ساز و آواز کلاسیک مردم شغنان و پامیر
- معرفی بدون هراس و خیلی ها به موقع لباس ها و پوشش های سنتی مردمان پامیر
- ایجاد کتابخانه خیلی ها خوب در ولسوالی شغنان با در نظر داشت امکانات دست داشته
- معرفی برخی از جوانان و نو جوانان به نهاد ها و مؤسسات خارجی برای کار یابی
- برگزاری مراسم احتفال نهایت شکوفان به منظور قدردانی از شخصیت وارسته، داعی حقانیت و حقیقت پسند، و شاعر کثرت گرا سید زمان الدین " عدیم "
- تقدیر و تکریم زندگی شاعرانه و میهن پرستانه شاه امان الدین روشانی
- تقدیر و تکریم از کار کرد های فرهنگی، شاعرانه ، میهنی و عرفانی ، شخصیت صادق و درست کار شغنان محترم مذهب شاه ظهوری
- تقدیر و تحسین از کار کرد های علمی و پژوهشی محترم خیر محمد حیدری در شیرازه اکادمی علوم افغانستان به منظور معرفی اثر گران بهای شان دستور زبان و ادبیات شغنانی

مزید بر این کار ها ، انجمن اجتماعی جوانان پامیر مسایل زیر را باید در پیش داشته باشند تا دارای دست آورد های معین دیگری نیز باشند و در خدمت میهنی و فرهنگی شان از کامگاری های بیشتر و بهتر برخوردار باشند که میتوان چنین بر شمرد :

- تقویت و استحکام فرهنگ کتابداری و کتابخان ها در محیط و محوای شان
- به نشر رسانی، چاپ آثار و آفریده های شعرا، سخنوران و پژوهشگران
- اقدام مجدد در نشر و چاپ دو اثر پر بهای عدیم، اشک حسرت و سرشک ندامت
- به نشر رسانی اشعار و سروده های شاعر فقید غلام علی شاه نصیری و یاد بودی از او نیز
- آفرینش آثار ادبی در راستای ادبیات شفاهی ، داستان ها و فلکوریک مردمان دیار به زبان محیطی و محلی شان
- طبع و نشر اشعار و سروده های محترم مذهب شاه ظهوری
- طبع و نشر اشعار و سروده ها به زبان شغنانی و سایر زبان های محیط و مناطق سرحدی که بدون داشتن رسم الخط واحد و پذیرفته شده جهت ایجاد سهولت برای همه خواننده ها حتی اگر شفاهی و ذات البینی هم باشد، کمی دشوار خواهد بود.
- فرستادن آثار نشر شده به دوستان و هم میهن برون مرزی در بدل پرداخت هزینه ( قیمت ) آثار نشر شده من حیث اعانه به خاطر تقویت انجمن .

برای پیشبرد این همه کار ها، زمان، مکان، استعداد، همکاری، و همیاری در کار است که این جوانان به تنهایی خود شاید به دشواری از عهده آن برآیند و آنگونه که شاهد هستیم برخی اوقات تمنا و تقاضای همکاری از دوستان داخلی و برونمرزی خود دارند که خیلی ها حق بجانب نیز هستند. جهت مرفوع ساختن این معضل و دشواری ، اگر گستاخی به شمار نه آید و نه هم تکرار، برای دوستان برون مرزی مان، آنهایی که در کانادا، امریکا، اروپا و سایر کشور های بیرونی حیات بسر می برند بار مجدد و شاید هم بار ثالث پیشنهاد می کنم که برای حمایت مادی، معنوی، اخلاقی و میهنی انجمن اجتماعی جوانان پامیر به شکل انسجام یافته، منظم و سیستماتیک، بدون استدلال تراشی ها، منفی بافی ها، دل شکنی ها، دلسردی آفرینی ها، صادقانه، روشنفکرانه، و فرهنگ منشانه، در محیط و موقعیت های جغرافیای سیاسی شان که مقیم اند، در راستای ایجاد " صندوق های خورد و کوچک وجهی" ، که بتوانند پاسخ گوی زمانی درخواست و تقاضای طلب یاری این انجمن باشند، اقدام عملی ، واقعی و

دلسوزانه کنند. این دوستان میتوانند با بکار برد فرهنگ شفافیت و درایت دسته کاری در این راستا توظیف و از همیاری های پراکنده، انفرادی، دسته ای، سلیقه ای، دهکده ای، بر بنیاد خوشبینی ها و بد بینی های فردی، دوری جویند و سخن کارل مارکس بزرگ هم در برابر شان به مصداق گرفته شود که گفته است:

" زیبا ترین چیز برای انسان زندگی است. زندگی تنها یکبار برای او داده می شود، لذا آن را باید به گونه ای زیست که سال های به هدر رفته عمر، موجب عذابی دردناک نگردد و بر پیشانی داغ رسوایی نزند، تا بهنگام بدرود زندگی بتوانیم بگوییم که همه اوقاتم صرف زیبا ترین چیز های جهان، صرف مبارزه در راه رهایی انسان و کافه بشریت از زندان تعصب و جزمگرایی بوده است. "

( کارل مارکس)

به امید اینکه مسایل مورد پسندتان را بر گیرید و نا پسندی ها را من حیث " مال بد رد خاوند"، به نگارنده اش واگذار کنید.

ساقیا امشب صدایت با صدایم ساز نیست  
یا که من بسیار مستم یا که سازت ساز نیست  
ساقیا امشب مخالف می نوازد تار تو  
یا که من مست و خرابم یا که تارت تار نیست

با عرض حرمت  
نصرالدین شاه " پیکار"

25 اگست 2015